

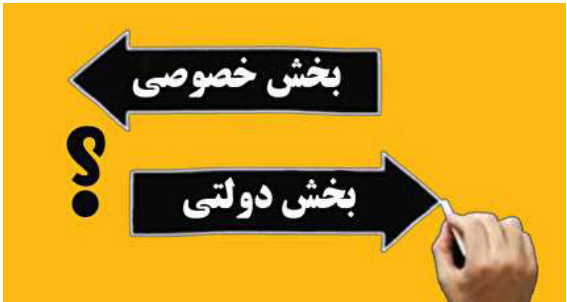


تاریخ
<b>۲۴</b>
اسفند
<b>۱۴۰۰</b>
سه‌شنبه

## یادداشت روز

### چرا بخش خصوصی موفق‌تر از بخش دولتی است؟

وحید جعفری زاده- دانشجوی دکترای مهندسی کامپیوتر



خود را هم به‌کندی انجام می‌دهند. در حالی که بسیاری از فعالان بخش خصوصی مرتباً در حال به روز رسانی و توسعه خدمات خود هستند. چهارمین دلیل را می‌توان انعطاف بخش خصوصی برشمرد. بخش خصوصی به سرعت می‌تواند تصمیم به ایجاد تغییر در خود بگیرد و به سرعت نیز می‌تواند آن را اجرا کند، همچنین در تصمیمات، عملکرد، برخورد با مشتری و به طور کل در همه ارکان خود می‌تواند انعطاف به خرج دهد و این انعطاف در راستای دو مورد قبلی است. مثلاً با شیوع کرونا بسیاری از کارخانه‌ها به سرعت با تغییر خط تولید خود، به تولید ملزومات کرونا مانند ماسک و الکل روی آوردند یا به عنوان یک مثال ساده اگر یک شرکت تصمیم بگیرد کالایی را خریداری کند، به سرعت و در کوتاه‌ترین زمان می‌تواند، از فروشنده‌ای که بهترین کیفیت و کمترین قیمت را ارائه می‌کند بدون واسطه خرید کند؛ اما اگر همین کالا بخواهد در بخش دولتی خرید شود، صرف‌نظر از تشخیص به موقع زمان خرید، برای انجام این خرید باید مراحل متعددی طی شود، امکان خرید از هر فروشنده‌ای وجود ندارد و حتی احتمال دارد تمام منافع آن اداره در این خرید تضمین نشود! اگر چه میدانیم این قوانین و روال برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و تأمین منافع دستگاه‌های دولتی وضع شده، ولی در عمل می‌بینیم که این قوانین کارایی لازم را ندارد و بارها اخبار اختلاس در بخش‌های دولتی منتشر می‌شود که خود گواهی بر ناکارآمد بودن قوانین و مقررات و وجود خلأهای فراوان است.

دیگر عامل موفقیت بخش دولتی را می‌توان در ارتباط بی‌واسطه با مشتری‌ها و مخاطبان دانست. بخش خصوصی به خوبی ارتباطی دو سویه با مخاطبان و مشتریان خود ایجاد می‌کند و با درک نیازهای روز و گرفتن بازخورد از آنها، نقاط قوت خود را تقویت و نقاط ضعف خود را کم رنگ می‌کند. بخش خصوصی در این ارتباط تلاش می‌کند تا مشتری و مخاطب خود را ارزش‌گذاری کند، حال آنکه در بخش دولتی غالباً ارتباطات یک سویه، غیراثربخش و با واسطه است و از طرف دیگر یک نگاه از موضع بالا در دستگاه‌های دولتی در مواجهه با مردم و جامعه هدف دیده می‌شود.

در مسئله عدم توفیق ارکان‌های دولتی، وضعیت در دستگاه‌های با وظایف حاکمیتی حتی بدتر از دستگاه‌های با وظایف تصدی‌گری است، اما در کل وضعیت دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت در قیاس با بخش خصوصی در کشور ما چندان مطلوب نیست. البته در همه جهان، بخش خصوصی قوی‌تر، به روزتر و پردرآمدتر از بخش دولتی است، به همین دلیل به خصوصی‌سازی واقعی از اهمیت زیادی برخوردار است و مورد توجه قرار می‌گیرد، اما در کشور ما که در بسیاری از بخش‌ها هنوز انحصار وجود دارد و عمده بودجه در اختیار دستگاه‌های دولتی است، عدم توفیق بخش‌های دولتی و حاکمیتی بر پیشرفت و توسعه کشور اثر منفی می‌گذارد.

## اگر قصد راه اندازی کسب و کار جدید دارید؛ بخوانید



حقوق اضافه‌کاری بهره‌مند شود. درسطح بالاتر اوضاع بدتر نیز خواهد بود وقتی منابع مالی زیاد، در اختیار مدیران قرار می‌گیرد خطر بزرگ دیگری شرکت را تهدید می‌کند شاید شما نیز اخبار اختلاس‌های بزرگ یا حقوق‌های نجومی را شنیده باشید.

در این رویه انگیزه‌های منحرف موجب می‌شود تا برخی از مدیران با تعریف کارهای جدید و به بهانه‌های مختلف منابع مالی را اخذ کرده و از طرق مختلف به حساب خود واریز کنند. این امر منحصراً به کشور ما نیست در هر کشوری که اندازه دولت بزرگ باشد یا به‌دیگر بیان شرکت‌های دولتی زیادی در کشور وجود داشته باشد و اکثر فعالیت‌های اقتصادی از تولید محصولات گرفته تا انجام کارهای عمرانی نظیر احداث پل، سد، راه و… به عهده دولت باشد. همواره انگیزه‌های منحرف وجود دارد. اما اگر یک بخش خصوصی اداره کارخانه یا شرکی را به‌عهده بگیرد به‌نظر شما فردی حاضر است با درآمد خود چنین کاری کند؟ آیا او دائماً بر کارمندان و کارگران خود نظارت نمی‌کند؟ در سیستم‌های دولتی از یک طرف با کاهش انگیزه‌های فردی بهره‌وری کاهش می‌یابد از طرف دیگر خطر انحراف انگیزه‌ها به‌وجود می‌آید.

اگر در اقتصاد کاراترین و بهره‌ورترین رویکردها در اکثر بازارها

ضرب‌المثل‌های جهان

## طمع به همه چیز از دست دادن همه چیز است

انگلیسی



تمرکز بر بخش خصوصی است به این دلیل است که انگیزه‌ها با درآمد بیشتر گره خورده و این عامل موجب استفاده بهتر از منابع می‌شود. دولت‌هایی مثل ترکیه می‌دانند که افزایش درآمد مردم یعنی افزایش درآمد ملی و با بالا رفتن درآمد مردم دولت نیز به‌راحتی می‌تواند با گرفتن مالیات وظایف خود در مدیریت بازارها و تسهیل سازوکار حاکم بر آنها را انجام دهد. در کشور ما به‌دلیل تکیه بر منابع نفتی، دولت توجه چندان به بخش خصوصی نداشته است همین امر باعث شده تا بسیاری از سازمان‌های دولتی با بهره‌وری پایین، حتی در صورت ضرر دادن به کار خود ادامه دهند چون با فروش نفت می‌توان این نواقص را پوشش داد.

دولت جاری در ابتدای امر به وجود این مشکل اشاره کرده و از فعالان بخش خصوصی دعوت کرده تا برای حضور در بخش‌های مختلف پیشقدم شوند. حضور بخش خصوصی در بخش‌های مختلف صنایع یعنی تزریق انگیزه به اقتصاد و ایجاد سازوکار «خودکنترلی» در اجزای

باهر:

### متأسفانه مشارکت در انتخابات اخیر کم بود

وقتی مشارکت ۸٪ درصد می‌شود، یعنی ۵۲ درصد مشکل دارند



اما اگر حزب باشد، جایی است که می‌تواند حکمران خوب و کیفی تربیت کند.

مشارکت برای ما مهم است، اما متأسفانه ما در انتخابات اخیر به قول کارشناسان هوشناسی، رکورد کمینه را زدیم. خب این بد است، چون میزان شرکت مردم در انتخابات با میزان مشروعیت نظام سیاسی کشور در ارتباط است. وقتی مشارکت ۸ درصد می‌شود، یعنی ۵۲ درصد مشکل دارند. حالا هر کسی یک‌طور. یکی از نظر معیشت عصبانی است و یکی بازنشسته است و حقوق اندکی می‌گیرد.

یکی از اینکه می‌بیند فرزندان هنوز کار درست و حساسی ندارد، یکی زندانی دارد، یکی ممکن است صلاحیت نامزد مورد علاقه‌اش تأیید نشده باشد و قس علی‌هَذَا، ما باید به این شاخص‌ها توجه کنیم. من مثالی می‌زنم. وقتی بیماری به مرکز درمانی مراجعه می‌کند، پزشک، کارکرد دو سه ناحیه را معاینه می‌کند؛ قلب، مغز و نبض. استدلال او این است که اگر سیستم مغزی و قلبی سالم باشد، می‌توان سراغ اقدام‌های دیگر رفت که مثلاً ببینیم بیمار فشار و چربی دارد، اما وقتی مغز آسیب‌دیده باشد پزشک به اقدام‌های دیگر توجهی نشان نمی‌دهد، چون فایده‌ای هم ندارد؛ این‌ها عضو حیاتی و اصلی هستند. این مثال را زدم که بگویم مشارکت در کسبوت ما عنصر اساسی است و اگر مشارکت کم شود همه کشور و همه مسئولان نظام باید به تکاپو بیفتند که چه شده است. ممکن است مثلاً بخشی از این کاهش مشارکت به تبلیغات غلط من به ظاهر طرفدار نظام هم باشد، ممکن است صداوسیما در این‌باره مقصر باشد. ما باید به این‌ها توجه کنیم و نباید همیشه دنبال BBC و VOA باشیم.

کشور ما با یک مجلس نمی‌تواند اداره شود. این نماینده‌ها در این مجلس بیشتر مطالبات قومیتی، منطقه‌ای، جنسیتی و صنفی را منعکس می‌کنند، در حالی که ما محتاج یک مجلس ملی هستیم. امروز در مجلس نگاه کنید در فصل بودجه هر کسی می‌خواهد به صنف، منطقه یا استان او توجه بیشتری شود. یک نفر نمی‌آید بگوید ما این اقتصاد مقاومتی را چه کنیم. حضرت آقا ۱۵ سال است فریاد می‌زند اقتصاد مقاومتی، منظرم مجلس اصلاح‌طلبی یا اصولگرایی نیست، همه مجالس ما اینگونه‌اند، اقتصاد مقاومتی در مجلس ما صاحب ندارد، بیانیه گام دوم صاحب ندارد، زندگی و سبک زندگی ایرانی- اسلامی صاحب ندارد. رئیس‌جمهور ما به فکر چهار سال و هشت سال است، نماینده به فکر باید به فکر کارهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت هم باشد. حزب باید به فکر نان شب امروز مردم باشد، به فکر ساخت‌وسازهای پنج سال بعد و به فکر ۴۰ سال دیگر. این را به جد بگویم که در میان مسئولان جز رهبری هیچ‌کس به فکر ۴۰ سال بعد نیست، اما حزب واقعی و جریان‌ساز می‌تواند این کار را انجام دهد، چون هم برای پنج سال برنامه دارد و هم برای ۳۰ سال، در حالی که مسئولان ما حداکثر با چشم هشت ساله به رویدادها و برنامه‌ها نگاه می‌کنند و رئیس‌جمهور کلنگ‌هایی را می‌زند که بتواند ظرف هشت سال افتتاح کند، دیگر او کلنگ پروژه ۱۵ ساله به زمین نمی‌زند. ما بعضاً فکر می‌کنیم مجلس هرچقدر بیشتر روی دولت بایستد، انقلابی‌تر است. دولت هرچه به مجلس کمتر توجه کند، انقلابی‌تر است، در حالی که امید ما این است که این مجلس و دولت با هم مملکت را اداره کنند.

این دولت و مجلس زود تمام شود.

من به شما می‌گویم ما حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان پروژه نیمه‌تمام دولتی داریم، در حالی که هر سال فقط ۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی داریم. اگر بخواهیم ساده نگاه کنیم، می‌گویم ۱۰ سال طول می‌کشد این پروژه‌ها تمام شود، اما وقتی دید مهندسی و اجرایی آزمون پس داده داشته باشید، می‌گویید هرگز در ۱۰ سال تمام نمی‌شود، چون هر ساله استهلاک پروژه‌هایمان بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان است.

مختلف سیستم اقتصادی. بخش خصوصی برای کسب سود بیشتر از هر ابزار مفیدی استفاده خواهد کرد تا هزینه‌های خود را کم کند و برای کسب سهم بیشتر از بازار کیفیت محصولات و خدمات خود را افزایش دهد یا بر منابع خود نظارت کند تا از انحراف رفتار در آنها جلوگیری شود. با ورود بخش خصوصی بار سنگینی از دوش دولت برداشته شده و دولت می‌تواند با فراغ بال بیشتر، به وظیفه اصلی خود که همان سیاستگذاری و مدیریت مناسب بازارهاست، بپردازد.

برای مثال تعریف قوانین تجاری کارا در هر بازار، تعامل با کشورهای دیگر برای صادرات محصولات بنگاه‌های خصوصی، رصد بازارها برای از بین بردن نواقص موجود و تسهیل امور مردم. از دیگر مزایای اصلی در گسترش بخش خصوصی در اقتصاد کشور، توزیع عادلانه درآمد بین مردم است هر کسی به اندازه تلاش خود از کیک اقتصاد بهره‌مند خواهد شد. هم‌چنین هر فردی سر جای خود قرار می‌گیرد، هر کسی متناسب با تخصص خود وارد حوزه‌های کاری شده و با حداکثر توان خود فعالیت خواهد کرد. حضور بخش خصوصی موجب رقابت بین شرکت‌ها بر سر کسب سهم بیشتر از بازار می‌شود این امر به منزله گرایش شرکت‌ها در استفاده از دانش روز و به‌کارگیری تکنولوژی‌های پیشرفته می‌شود، ضمن این‌که هم قیمت محصولات کاهش یافته و هم کیفیت آنها افزایش می‌یابد. برای مثال انحصار در صنعت خودرو موجب فاصله گرفتن کیفیت محصولات آنها از نمونه‌های خارجی و افزایش قیمت آنها شده ولی رقابت در اپراتورهای مخابراتی موجب ورود خدمات نوین در این صنعت شده است. بنابراین از جمله مهم‌ترین راه کارها برای توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور گسترش حضور بخش خصوصی است.

ما بعضاً فکر می‌کنیم مجلس هرچقدر بیشتر روی دولت بایستد، انقلابی‌تر است. دولت هرچه به مجلس کمتر توجه کند، انقلابی‌تر است، در حالی که امید ما این است که این مجلس و دولت با هم مملکت را اداره کنند. من نگرانم که خدای نکرده ماه عسل این دولت و مجلس زود تمام شود. به گزارش رویداد ۲۴، محمدرضا باهنر: کشور ما با یک مجلس نمی‌تواند اداره شود. این نماینده‌ها در این مجلس بیشتر مطالبات قومیتی، منطقه‌ای، جنسیتی و صنفی را منعکس می‌کنند، در حالی که ما محتاج یک مجلس ملی هستیم. ما نمی‌توانیم قانون اساسی را اصلاح کنیم و بگویم مجلس نمی‌خواهیم، اما می‌توانیم قانون اساسی را اصلاح کنیم و بگویم ما به جای یک مجلس، دو مجلس می‌خواهیم.

گزیده‌ای از گفتگوی محمدرضا باهنر با روزنامه جوان را در ادامه می‌خوانید:

امروز بالای ۸۰ درصد از شهروندان ما افرادی هستند که انقلاب و حضرت امام را درک نکرده‌اند، دفاع مقدس را ندیده و عملاً با رخدادهای انقلاب ارتباطی برقرار نکرده‌اند. افرادی که عمدتاً متولد سال‌های ۵۰ به بعد هستند و در زمان انقلاب، قدرت تمییز نداشتند، نسل دهه شصتی‌ها، هفتادی‌ها و قس علی‌هذا روح رخدادهای انقلاب را درک نکرده‌اند و امروز سؤالی طبیعی برای این نسل‌ها به وجود آمده که شما به عنوان دست‌اندرکاران این انقلاب برای ما چه کرده‌اید.

انقلاب ما یکسری نظریه داشته که باید تا ابد از آن‌ها دفاع کرد مثل آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت و قنلایت. این واژه‌ها در همه ایدئولوژی‌ها و ادیان – حتی اگر پیروان آن‌ها خلاف این نظریه‌ها عمل کنند – پذیرفتنی و قابل دفاع هستند. می‌خواهم بگویم هیچ ایدئولوژی‌ای نیست که علاقه‌مند به این نظریه‌ها نباشد. خب ما از این نظریه‌های نظام تا ابد دفاع می‌کنیم و در این باره تردیدی وجود ندارد، اما توجه کنید که یک پای ما اگر در آرمان‌ها قرار دارد پای دیگرمان در زمین واقعیت است و این‌جا نقطه‌ای است که امروز برای ما از حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

✽ حضرت آقا فرمودند اصولگرایی نقطه‌ای است بین ایده‌آل‌ها و واقعیت‌ها، بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی؛ یعنی اگر یک انسان بخواهد اصولی حرکت کند آرمان‌هایش را باید حفظ کند و البته نباید بر فراز ابرها قدم بزند و واقعیت را کنار بگذارد. باید نقطه عزیمت خود را از واقعیت‌ها به سمت آرمان‌ها تعریف کند و هدفگذاری و نقشه راه داشته باشد.

✽ اولین گام این است که باید به خطاهایمان اقرار کنیم و درصدد توجیه اشتباهات نباشیم، بلکه صادقانه بگویم این کاستی‌ها و اشتباهات را داشتیم. مثلاً اگر ساختارهایمان مشکل داشتند ساختارهایمان را اصلاح کنیم. اگر رویکردها و عملکردهایمان اشکال داشت این مسائل را بپذیریم. البته ممکن است به آن نقطه نهایی آرمانی‌مان نرسیم، اما بعد از ۴۳ سال باید گام دوم را برداریم که تجسم آن بیانیه گام دوم حضرت آقاست و من می‌خواهم عرض کنم از حیث ساختاری می‌توان بیانیه گام دوم را به جمهوری دوم تعبیر کرد. جمهوری دوم در واقع گام دومی است که در آن می‌خواهیم آرمان‌هایمان حفظ شود، در کنار آن واقعیت‌ها و میدان امروز دنیا را خوب بشناسیم و عزیمت از واقعیت‌ها به آرمان‌ها را نقشه‌ریزی، طراحی و هدایت کنیم؛ اشکالات گذشته خودمان را کاهش و نقاط قوت را افزایش دهیم و از بیشترین انرژی جوانان را بویابیم، امیدواری و آرمان‌گرایی است استفاده کنیم.

✽ آقای احمدی‌نژاد وقتی انتخاب شد گفت من اصلاً کاری به اصولگرها ندارم. خاتمی در مجلس ششم وقتی وزرایش را معرفی کرد به یکی از وزرایش رأی ندادند، گفت این چپی‌ها و اصلاح‌طلب‌ها از جان من چه می‌خواهند! من ۲۰ میلیون رأی داشتم، در حالی که جمعی روحانیون و دفتر تحکیم در کل ۲ میلیون هم رأی نداشتند! می‌خواهم بگویم ما کنش سیاسی را یاد نگرفته و آموزش ندیده‌ایم. ریشه این اتفاقات هم از آنجا آب می‌خورد که نظام حزبی در کشور ما حاکم نیست.

مجلس به جراح قلب، ارتوپد و فلان مهندس نیاز ندارد، ما در مجلس به افرادی نیاز داریم که بتوانند اقتصاد سلامت کشور یا ریل‌گذاری صنعت را مدیریت کنند. ما N تومان منابع مالی داریم و می‌خواهیم این بودجه را خرج سلامت کشور کنیم. سؤال این است این منابع را چطور هزینه کنیم؟ برخی از این پزشکان فوق‌تخصص را که نگاه می‌کنید، می‌بینید ۳۵۰ واحد درس خوانده‌اند، اما این نماینده آیا دو واحد اقتصاد خوانده است؟ چهار واحد مدیریت خوانده است؟ نخونده است. اصلاً حکمرانی بلد نیست، تقصیری هم ندارد. این‌ها اشکالات بنیادی است،